*مطالعات تاریخ اسلام*
*سال دهم / شمارهٔ ۳۶/ بهار ۱۳۹۷*

# رویارویی سنّت‌گرایان با تجدد در نیمه نخست قرن بیستم

## مطالعه موردی شیخ‌الاسلامِ خلافتِ عثمانی، مصطفی‌صبری توقاتی (۱۸۶۹-۱۹۵٤م.)

**سیدجلال محمودی**[۱]
**دکتر حسن حضرتی**[۲]

**چکیده:** پیدایش اندیشه تجدد در جهان اسلام، چالش‌های بسیار در پی داشته است. مسلمانان سنّت‌گرا، تمام‌قد به مصافِ آن شتافته‌اند و جدالی سخت و البته تاکنون بی‌پایان درگرفته است. تداوم حیات سنّت به‌موازات تجدد نو پیدا، منجر به دوگانگی شده است. مصطفی‌صبری توقاتی یکی از آخرین و مؤثرترین شیخ‌الاسلام‌های وانفسای عثمانی، به‌مثابه اندیشه‌ورزی سنّت‌گرا تلاش می‌کند با برجسته کردن جنبه‌های فرهنگی اسلام مقابل فرهنگ غربی و نیز تأکید بر قوانین برآمده از شریعت و جَرَیان آن در حیات اجتماعی و به‌تبع آن تقویت حضور فعالانه عالمان دین، الگویی برای رویارویی با مدرنیته و نتایج حاصل از آن به دست دهد. حاصل تلاش مصطفی‌صبری و همفکرانش، برجسته شدنِ نقش سیاسی اسلام در نیمه دوم قرن بیستم است. پژوهش حاضر در نظر دارد برنامه اصلاحیِ مصطفی‌صبری توقاتی را با تکیه بر زندگی سیاسی، مبانی معرفتی و اندیشه وی از خلال مهم‌ترین آثارش تحلیل نماید.

**واژه‌های کلیدی:** سنّت‌گرایان، تجدد، شیخ الاسلام، خلافت عثمانی، مصطفی‌صبری توقاتی.

---

۱ دانش‌آموخته دکتری تاریخ اسلام از دانشگاه تهران(نویسنده مسئول) mahmoudi.nm@ut.ac.ir
۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران hazrati@ut.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۴ تاریخ تأیید: ۹۶/۰۶/۲۵

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]
[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

# Confronting Traditionalists with Modernity in first half of twenty century; case study Sheikh ul-Islam of ottoman caliphate, Mustafa Sabri Tukati (1869-1954 AD)

Seyyed Jalal Mahmoudi[1]
Hasan Hazrati[2]

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]

**Abstract:** The emergence of modernity in the Islamic world has followed by many challenges. The Muslim traditionalists, resisted hard against it, so this controversy has been continuous, hard and endless up to these days. The continuity of tradition beside the modernity resulted in a dichotomy. Mustafa Sabri Tukati is one of the latest and most effective Sheikh Ul-Islam during the last days of Ottoman Empire and as a traditional thinker, tried to highlight the cultural aspects of Islam versus Western culture, and the laws derived from the Sharia in society. Consequently is after strengthening the active participation of religious scholars to offer a pattern for dealing with modernity and its results. The result of the efforts of Mustafa Sabri and his colleagues were emphasizing the political role of Islam in the second half of the twenty century. This study, through analyzing his most important works, intends to analyze the reform project of Mustafa Sabri relying on his political life, epistemic foundations and thought.

**Keywords:** Traditionalists, Modernity, Sheikh Ul-Islam, Ottoman Caliphate, Mustafa Sabri Tukati.

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

1 Ph.D. in Islamic history, Tehran University (Corresponding Author) mahmoudi.nm@ut.ac.ir
2 Associate Professor, Tehran University hazrati@ut.ac.ir

## طرح مسئله

فروپاشی خلافت عثمانی موجب بروز چالش‌های فکری بنیادینی در میان سنت‌گرایان شد، بنابراین، آنان درصددِ مقابله با این وضعیت برآمدند. مصطفی‌صبری[۱] توقاتی در کسوت یکی از آخرین و تأثیرگذارترین شیخ‌الاسلام‌های[۲] وانفسای خلافت عثمانی، یکی از همین اندیشه‌ورزان سنت‌گرای طرفدار نهاد خلافت است و تلاش می‌کند برنامه‌ای برای مواجهه با وضعیت پیش‌آمده، ارائه دهد.

پیش از فروپاشی دستگاه خلافت، تجددخواهان تمایل خود را به پذیرش مدرنیته اعلام داشته بودند. در مقابل، سنت‌گرایان که به‌صورت ناگهانی با فروپاشی حامی مبانی سنتی خود مواجه شدند، به تکاپو افتادند. سنت‌گرایان که قرن‌های متمادی در رویارویی با چالش‌های نوظهور، به‌واسطه خلفا و پادشاهان اِعمال نفوذ می‌کردند، اینک تنها مانده و ابزارهای اِعمال قدرت خود را ازدست‌رفته می‌دیدند. در این وضعیت بغرنج، سنت‌گرایان حضور فعالانه علمای دین را در امور سیاسی، به‌عنوان نسخه‌ای بدیل پیشنهاد کردند و در عرصه فکر و عمل پیگیر فراهم کردن مقدمات آن شدند که حاصل آن برجسته شدنِ نقش سیاسی اسلام (بروز اسلام سیاسی) در قرن بیستم است.

پژوهش حاضر در نظر دارد ضمن معرفی مصطفی‌صبری توقاتی به جامعه علمی ایران، دستگاه معرفتی و برنامه اصلاحی او را به کندوکاو بنشیند و به قول فهمی جدعان «فرصت سخن گفتن»[۳] را برای این سنت‌گرای حامی خلافت و «مشروطه مشروعه‌خواه» فراهم سازد. بنابراین، این پژوهش در دو بخش اصلی سامان‌یافته است: نخست مروری خواهد داشت به

---

۱ اسم وی مرکب است: «مصطفی‌صبری» و «صبری» آن‌گونه که می‌پندارند، کنیه‌اش نیست.

۲ از نظر اهمیت «شیخ‌الاسلام» در امپراتوری عثمانی، بعد از خلیفه/سلطان و صدراعظم، در مرتبه سوم قرار داشت. حرف آخر را در مسائل حقوقی و دینی او می‌زد؛ به‌علاوه مسائل حیاتی و دنیوی دولت نیاز به فتوای او داشت. مانند اعلان‌جنگ، انجام اصلاحات و تغییرات در حکومت و... نک: اسماعیل حقی (۱۳۸۸)، *تاریخ عثمانی*، ترجمهٔ وهاب ولی، ج۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص۶۹۰؛ أکرم کیدو (۱۹۹۲)، *مؤسسة شیخ الإسلام فی الدّولة العثمانیة*، تعریب هاشم الأیوبی، طرابلس- بیروت: منشورات جروس برس. این کتاب با مشخصات کتابشناسی: أکرم کیدو (۱۳۹۵)، *نهاد شیخ‌الاسلام در دولت عثمانی*، مترجمان سید محمدرضی مصطفوی‌نیا و حسن حضرتی، تهران: ندای تاریخ. به زیور طبع آراسته شده است و نیز نک: محمدتقی امامی خویی (۱۳۹۵)، *تاریخ امپراتوری عثمانی*، تهران: سمت، ص۱۸۴.

۳ جدعان فهمی (۱۹۸۸)، *اسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث*، الطبعة الثالثة، دارالشروق، ص۲۳.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

زندگی و فعالیت‌های سیاسی و علمی مصطفی‌صبری و در بخش دوم برنامه اصلاحی او را بررسی و معرفی خواهد کرد.

## پیشینه پژوهش

مصطفی‌صبری افندی به‌رغم اهمیت و نمایندگی مدرسه سنّت‌گرایی در اواخر عثمانی، چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. تنها در دهه‌های اخیر و بعد از قوّت گرفتن جریان اسلام‌گرایی در ترکیه بود که تلاش‌ها و آثار او هم ضمن دیگر اسلام‌گرایان بازخوانی و دیده شد. درهرصورت، برجسته‌ترین آثار مربوط به تاریخ اواخر عثمانی یا در حدّ اشاره‌ای ناچیز مانند جی‌شاو و یا به‌صورت پراکنده، مانند نیازی برکس، به او پرداخته‌اند. با این وصف، چند تک‌نگاری ارزشمند هم وجود دارد که به مدد آن‌ها می‌توان مبانی اندیشه‌ای مصطفی‌صبری و مدرسه سنّت‌گرایی اواخر عثمانی را کاوید. از زمره این معدود تألیفات باید به تک‌نگاری ارزشمند مفرح بن سلیمان القوسی، با عنوان *الشیخ مصطفی‌صبری و موقفه من الفکر الوافد*، اشاره کرد که با رویکرد توصیفی نگاشته شده است.[۱] آمیت بین[۲] در مقاله‌ای تحت عنوان «علما و فعالیت سیاسی در اواخر امپراتوری عثمانی»[۳] در کتاب *محافظان ایمان در عصر مدرن: علما در خاورمیانه*[۴] که به اهتمام مایر هاتینا[۵] توسط انتشارات بریل منتشر شده است، زندگی سیاسی و ژورنالیستی مصطفی‌صبری را مورد بررسی قرار داده است. مصطفی حلمی، محقق کتاب بسیار مهم و کم‌حجم *النکیر علی منکری النّعمة من الدّین و الخلافة* اثر مصطفی‌صبری که پس از تحقیق کتاب آن را تحت عنوان *الاسرار الخفیه وراء إلغاء الخلافة العثمانیة، دراسه حول کتاب: النکیر علی منکری النّعمة من الدّین و الخلافة و الأمة* منتشر کرده است، با رویکردی سلفی عوامل پشت پرده الغای خلافت، علل و عواقب مترتب بر آن را به تصویر می‌کشد. حسان عبدالله حسان، استاد دانشگاه منصوره مصر در مقاله‌ای عالمانه

---

۱ القوسی، مفرح بن سلیمان (۱۹۹۷)، الشیخ مصطفی‌صبری و موقفه من الفکر الوافد، ریاض: مرکز الملک فیصل للبحوث و الدراسات الإسلامیّه.

2 Amit Bien.

3 *Ulama and Political Activism in the Late Ottoman Empire: The Politecal Career of Seyhulislam Mustafa Efandi* (1869-1954).

4 Meir Hatina (2009), *Guardians of Faith in Modern Times: 'Ulama' in the Middle East*, BRILL: pp.67-90.

5 Meir Hatina.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

تحت عنوان «الإصلاح المعرفی و التغریب عند النخب الفکریة فی دول الأرکان (مصر، ترکیا و إیران)؛ نماذج مختارة» نوسازی اسلامی را بررسی کرده است. حسان عبدالله کار خود را به‌صورت مقارنه‌ای پی‌گرفته و از خلال آن نحوه مواجهه سه کشور مصر، ترکیه و ایران را با تجدد بررسی کرده است. او برای این کار محمد عبده، مصطفی‌صبری و علی شریعتی را برگزیده است. کار حسان عبدالله الگوی مناسبی برای پژوهش‌های مقارنه‌ای در کشورهای مهم جهان اسلام، در حوزه‌های مختلف پیش روی محققان می‌گذارد و امید می‌رود ادامه پیدا کند. آخرین تک‌نگاری جدّی‌ای که درباره مصطفی‌صبری انجام شده است مقاله‌ای است از عمار جیدل، استاد دانشگاه مرکزی الجزایر که تحت عنوان «رائد الفکرالاسلامی الحدیث: شیخ‌الاسلام مصطفی‌صبری» در شماره ۵ *مجله حراء* در تاریخ اکتبر- دسامبر ۲۰۰۶ منتشر شده است. عمّار جیدل نیز مانند القوسی و حلمی، نگاهی همدلانه و تأیید گونه به فعالیّت‌ها و تلاش‌های مصطفی‌صبری دارد، البته با این تفاوت که دو نفر نخست رویکرد سلفی دارند و جیدل رویکرد صوفیانه. به‌هرروی، ازنظر جیدل، مصطفی‌صبری، «یکی از رهبران مقاومت و مدافع اندیشه اسلامی در اواخر عثمانی» است. ناگفته نماند گاهی در مقدمه آثار منتشر شده مصطفی‌صبری و یا ترجمه آثار عربی او به ترکی، نگاهی تیتروار هم به زندگی و آثارش شده است. در مقاله پیش رو، نویسندگان سعی کرده‌اند نگاهی جامع و نه تک‌بُعدی و مبتنی بر بافت تاریخی زمانه مصطفی‌صبری به حیات و فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی او بیندازند تا هم گامی برداشته باشند در تکمیل پژوهش‌های پیشین و هم افق‌های جدیدی برای علاقه‌مندان بگشایند. بنابراین، این پژوهش بر بستر تاریخ اندیشه، فضای فکری سال‌های پایانی عثمانی را از خلال کنش‌های کنشگری سنّت‌گرا برای خوانندگان به تصویر می‌کشد.

## زندگی‌نامه

مصطفی‌صبری‌توقاتی در سال ۱۸۶۹م./ ۱۲۸۵ق. در توقات[1] واقع در آناتولی به دنیا آمده است. اسم کامل وی مصطفی‌صبری توقاتی‌بن‌احمدبن‌محمد القازآبادی از پدر و مادری آناتولیایی و تُرک بوده است. خود می‌گوید: «در نافِ آناتولی، شهر توقات، از پدر و مادری که نسل اندر

1 Tokat.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

نسل ساکن آناتولی بودند و نسب ترکی اصیل داشتند، متولد شده‌ام».[۱] مصطفی‌صبری در مقدمه کتاب *موقف العقل و العلم و العالم من رب العالمین و عباده المرسلین* می‌نویسد: «بزرگ‌ترین آرزوی پدرم که خود عالم دین بود، آن بود که پسرش عالمی از زمره علمای دین شود».[۲] مبانی علوم شرعی را از شیوخ توقات فرا گرفت و همانجا قرآن را حفظ کرد و سپس به شهر قیصریه[۳] که یکی از مهم‌ترین مراکز علمی دولت عثمانی بود، رفت.[۴] همو در مقدمه *موقف العقل* جایگاه علمی «جامع سلطان محمد فاتح» واقع در قیصریه را در دوره عثمانی هم‌تراز «الأزهر» و بلکه فراتر از آن برمی‌شمرد.[۵] در آنجا علوم دینی، عربی و عقلی را آموخت. به توصیه پدرش، باوجودآنکه در سن بیست‌ودو سالگی موفق به کسب منصب مدرّسی جامع فاتح شده بود (۱۸۹۰م./۱۳۰۷ق.)، به آستانه[۶] رفت تا تحصیلات دینی خود را در آنجا تکمیل نماید.[۷] او در آستانه شاگرد محمدعاطف بک استانبولی و عالمی فقیه به نام شیخ احمدعاصم افندی گُمولْجِنِلی[۸] شد. احمدعاصم، مدیر آموزشی (درس وکیلی)[۹] حوزه اداری شیخ‌الاسلام دولت عثمانی بود. بعد از دریافت اجازه[۱۰] تدریس، شیخ دخترِ بزرگ خود «علویه هانم» را به ازدواج او درآورد.[۱۱] حاصل این ازدواج سه فرزند شامل یک پسر و دو دختر بود به نام‌های ابراهیم، فرزند بزرگ شیخ و متأثّر از او که در همه سال‌های حیات پدرش همکار و همراه او بود؛ صبیحه دختر بزرگ شیخ و نزاهت، دختر کوچک‌تر.[۱۲] به‌این‌ترتیب، مصطفی‌صبری تنها سه سال بعد از آمدن به استانبول راه خود را گشود.[۱۳] شهرت او موجب ترقی سلسله

---

۱ مفرح‌بن‌سلیمان‌القوسی (۱۹۹۷)، *الشیخ مصطفی‌صبری و موقفه من الفکر الوافد*، ریاض: مرکز الملک فیصل للبحوث و الدراسات الإسلامیّة، ص۶۳.

۲ مصطفی‌صبری توقاتی (۱۹۸۱)، *موقف‌العقل و العلم و العالم من ربّ‌العالمین و عبادهالمرسلین*، بیروت: دارُ احیاء التراث العربی، چ۲، مقدمه.

3 Kayseri.

4 Sebil Yayınları (1969), *Şeyhulıslam Mustafa Sabrı, Dini Müceddıtler (Reformcular),* İstanbul: p.14.

۵ مصطفی‌صبری توقاتی، *موقف‌العقل*، مقدمه.

6 İstanbul.

7 Sebil Yayınları, Ibid, p.14.

8 Gümülcineli.

9 Ders Vekili.

10 Icazet.

۱۱ مصطفی‌صبری توقاتی، همان، مقدمه، پاورقی ۲؛ و نک:

Sebil Yayınları, Ibid, p.14.

۱۲ مفرح‌بن‌سلیمان القوسی، همان، ص۶۳.

13 Meir Hatina, Ibid, p. 70.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

مراتب سلطانی‌اش شد. چه اینکه در ۱۸۹۸م./۱۳۱۵ق. سلطان عبدالحمید او را به عنوان عضوی در دروس سلطانی،[۱] دروسی که در حضرت سلطان تدریس و مذکراه می‌شد، تعیین نمود.[۲] درس «مجلس همایونی» عبارت بود از تقاریر علما بر پرسش و پاسخ‌های دینی که در حضور سلطان در ماه رمضان القاء می‌شد.[۳] پرفسور اسماعیل کارا بر این باور است که درس حضور یا همان «حضور درس‌لری» تا سال ۱۹۱۴م./۱۳۳۲ق. استمرار داشته است.[۴] در سال ۱۹۰۰م./۱۳۱۷ق. به عضویت «دیوان قلم» درآمد.[۵] عضو کمیته نظارت بر تألیفات شرعی و سپس مدیر کتابخانه قصر یلدز گردید که در آن ذخایر گران‌بهایی از میراث مکتوب و مخطوطات گردآوری‌شده بود.[۶] اسماعیل کارا می‌گوید وظیفه کتابداری وی چهار سال از ۱۹۰۰– ۱۹۰۴م./۱۳۱۷– ۱۳۲۱ق. طول کشیده است.[۷]

## مبارزه سیاسی

بررسی حیات مصطفی‌صبری نشان می‌دهد وی از زمان مشروطه دوم در سال ۱۹۰۸م. وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی شده است.[۸] در اوایل قرن بیستم، حکومت عبدالحمید دوم اعتبار خود را ازدست‌داده بود و به مرحله‌ای رسیده بود که حتی کسانی چون مصطفی‌صبری از فروپاشی آن ناخشنود نبودند. او بلافاصله و با اعلام نظام سیاسی جدید از انقلاب ۱۹۰۸م./۱۳۲۵ق. استقبال کرد. وانگهی، او به‌خوبی متوجه چالش‌های نهاد دین با حکومت جدید بود.[۹] وی سرسختانه طرفدار حکومت مبتنی بر قانون اساسی بود و بر این باور بود که رأی‌دهندگان و قانون‌گذاران عثمانی وجهه اسلامی حکومت و به‌ویژه جایگاه علما را در

---

1 huzûr-ihümayûn dersleri.

2 Sebil Yayınları, Ibid, p.14.

۳ عایشة عثمان اوغلی (۱۹۹۱)، *والدی السلطان عبدالحمید الثانی (مذکّرات الأمیرة عائشة عثمان اوغلی)*، نقلها إلی العربیّة: د. صالح سعداوی صالح، عمان ـ الأردن: دارالبشیر، ص ۱۷۲.

4 Kemalist Türkiye'Nin Din Yanlışları (2014), *ŞEYHÜLİSLM MUSTAFA SABRİ*, Derin Tarih kültür Yayınları-18, Derın Tarih dergisinin30, sayısnın hediyesidir. İstanbul, p. 6.

۵ عمار جیدل(۲۰۰۶)، «رائد الفکرالإسلامی الحدیث: شیخ الإسلام مصطفی‌صبری»، القاهرة، *حراء*، العدد الخامس، أکتوبر ـ دیسمبر، ص۵۹.

۶ مفرح‌بن‌سلیمان القوسی، همان، ص۷۰.

7 Kemalist Türkiye'Nin Din Yanlışları, p. 6.

8 Mehmet AKSOY (1989), "Beyanü l-Hak ve Mustafa Sabri", *YÜKSEK LİSANS TEZİ*, ANKARA ÜNİVERSİTESİ, p.41.

9 Meir Hatina, Ibid, p. 72.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

سیاست، تقویت و حمایت خواهند کرد.[۱] باوجود مزایا و منافع حکومت سلطانی، وی مجاب شد که ممانعت‌های حکومت حمیدی از سخنرانی‌های آزادانه و نیز فعالیت‌های سیاسی، ناعادلانه و زیان‌آور است.[۲] جی شاو در پیش گرفتنِ حکومت مطلقه از سوی عبدالحمید را به وضع خاندان سلطنتی، عدم اطمینان به انسجام یا توانایی سیاستمداران وابسته به باب‌عالی و بحران‌های داخلی و خارجی که امپراتوری را درهم پیچیده بود، نسبت می‌دهد.[۳] البته ناگفته نماند که آمیت بین این موضع‌گیری مصطفی‌صبری را در قبال حکومت عبدالحمید به‌جایی ارجاع نمی‌دهد و نیز در کتاب ارزشمند خود نیز با عنوان *علمای عثمانی، جمهوری ترکیه*[۴] به موضع‌گیری صریح مصطفی‌صبری علیه حکومت حمیدی اشاره‌ای نمی‌نماید. به نظر می‌رسد او بین جریان اسلامگرای «صراط المستقیم» به نمایندگی محمدعاکف و «جمعیّت علمیّه اسلامیّه» به نمایندگی مصطفی‌صبری تفاوتی قائل نیست و هر دو را شاید به این دلیل که بعدها به هم نزدیک شدند، در یک سَبَد نشانده است، حال آن‌که این‌چنین نیست. جریان اسلام‌گرای صراط المستقیم در آغاز از انقلاب و انقلابیّون استقبال کرد. این جریان جناح لیبرال و عصری اسلامی به شمار می‌آمد و دست بالا را داشت. الگوی آن‌ها برای پیشرفت، ژاپن بود که هم‌زمان با حفظ سنّت‌های بومی و ملی خود، گام در مسیر پیشرفت نهاده است.[۵] امّا مواضع جریان جمعیّت علمیّه اسلامیّه روشن نیست. هرچند آن را جزو سنّت‌گرایان و محافظه‌کار قلمداد کرده‌اند.[۶] باری، شاید مصطفی‌صبری به همین خاطر و در اعتراض به خفقان سیاسی بود که در سال ۱۹۰۴م./۱۳۲۱ق. از برخی از وظایفش استعفا داد و به تدریس بازگشت. بعد از اعلام قانون اساسی سال ۱۹۰۸م./۱۳۲۵ق. در کسوتِ نماینده شهر خودش، توقات، وارد پارلمان (مجلس نمایندگان) شد. بعد از انقلاب، مصطفی‌صبری افندی به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های مذهبی خود را نمایاند. تنها چند هفته بعد از انقلاب، او نقش

---

1 *Ibid,* Ibid, pp. 72-73.

2 *Ibid.*

۳ استانفورد جی. شاو و ازل کورال شاو (۱۳۷۰)، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمهٔ محمود رمضان‌زاده، ج۲، مشهد: آستان قدس، ص ۳۶۴.

4 *Ottoman Ulama, Turkish Republic.*

۵ روبیر مانتران (۱۹۹۳)، *تاریخ الدّولة العُثمانیة*، تعریب بشیر السباعی، ج۲، قاهرة: دارالفکر للدراسات و النشر و التوزیع، ص۲۶۲.

۶ همانجا.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

اصلی را در تأسیس تشکل علما با عنوان «کمیته علمیّه اسلامیّه» ایفا کرد.[۱] اسماعیل کارا از آن با عنوان «جمعیت علمیّه اسلامیّه»[۲] یاد کرده و نشریه آن‌ها را «بیانُ‌الحقّ»[۳] معرفی می‌نماید که انتشار آن طی سال‌های ۱۹۰۸– ۱۹۱۲ م. ادامه داشته است.[۴] مصطفی‌صبری و همفکرانش فعالیت‌های اعتراضی خود را با روش‌های ضدّدینی انقلابی‌ها پی گرفتند. در سال ۱۹۱۰م./۱۳۲۷ق. حزب «اهالی»[۵] را بنیاد نهادند. این حزب از نظر مشی سیاسی حزبی محافظه‌کار به شمار می‌آمد.[۶] در سال ۱۹۱۱م./۱۳۲۸ق. حزب «حریّت و ائتلاف»[۷] را تأسیس کردند.[۸] او در حزب «ائتلاف و حریة» هواداران بسیار داشت، به همین دلیل در آن حزب منصب رفیعی به‌دست آورد. این حزب با سیاست‌های جمعیت «اتحاد و ترقی» که گرایش‌های قومی شدیدی داشت به مقابله برخاست و تهدید جدی برای آن به شمار می‌رفت. مصطفی‌صبری در این دوره مقالات بسیاری با موضوعات دینی، اجتماعی و سیاسی منتشر کرد. وی به دنبال طرح لوایح قانونی‌ای بود که گمان می‌کرد منبع و مصدر هویت و شخصیت اسلامی دولت خواهند بود.[۹] در همین راستا و به پشتوانه *مجلة الأحکام العدلیة*[۱۰] و ایمان به شمولیت زمانی و مکانی اسلام، در نشریات و مجلس کمپینی به راه انداختند. آن‌ها در آغاز سال ۱۹۰۹م./۱۳۲۶ق. راه‌حلی برای توسعه حقوق مدنی عثمانی پیشنهاد کردند؛ به این معنی که قوانین تکمیلی‌ای به احکام «المجلة» افزودند و امیدوار بودند قانون مبتنی بر شریعت، همه جنبه‌های قانونی مورد نیاز در امپراتوری عثمانی را تحت پوشش قرار دهد. هنگامی که این نوآوری در ۱۹۰۹م. به مجلس ارائه شد، از جانب دو جناح حاکم بر مجلس نمایندگان،

---

1 Meir Hatina, Ibid, p.73.
2 Cemiyet-i İlmiye-i İslamiye.
3 Beyanü'l-Hak.
4 Kemalist Türkiye'Nin Din Yanlışları, *ŞEYHÜLİSLM MUSTAFA SABRİ,* p. 6. Ve Şeyhulıslam MUSTAFA SABRI, DİNİ MÜCEDDİTLER (REFORMCULAR), p. 14.
و همچنین نک: روبیر مانتران، همان، ص۲۶۲.
5 Ahali.
6 Mehmet AKSOY (1989), "Beyanü l-Hak ve Mustafa Sabri", *YÜKSEK LİSANS TEZİ*, ANKARA ÜNİVERSİTESİ, p.43.
7 Hürriyet ve İtilaf.
8 Kemalist Türkiye'Nin Din Yanlışları, ŞEYHÜLİSLM MUSTAFA SABRİ,p. 6.
9 Meir Hatina, Ibid, p.73.
۱۰ آنچه سابقاً در خلافت عثمانی و در نتیجه غالب شدن قوانین اروپایی پس از دوره تنظیمات و پس از آن در حوزه تشریع اسلامی رخ داده بود، پدید آمدنِ «مجلة الأحکام العدلیة» به اختصار "المجلة" [Mecelle] بود. به‌عبارت‌دیگر، این مجله واکنش و پاسخ شریعت اسلامی بود به قوانین غربی؛ نک: طارق البشری (۱۹۹۶)، *الوضع القانون المعاصر بین الشّریعة الإسلامیّة و القانون الوضعی*، قاهرة: دارالشروق، صص۱۴-۱۵.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]
[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

بالاترین رأی را کسب کرد و برای بررسی جزئیات آن به شیخ‌الاسلام حوالت داده شد.[۱]

او افزون بر انتقاد از سیاست‌های انقلابیّون، انتقادات تند خود را متوجه علما، نهادها و تشکل‌های سنتی هم کرد.[۲] در همین زمینه در سال ۱۹۱۲م./۱۳۲۹ق. «جمعیّت اتحادیّه اسلامیّه»[۳] را پی‌ریزی کرد.[۴] برخی از تندروها در درون هسته اتحاد و ترقی از برنامه‌های پیشنهادی مصطفی‌صبری و همفکرانش رضایت نداشتند و معتقد بودند این کار باعث گسترش نقش قوانین دینی و علما در اداره کشور خواهد شد. بنابراین با هر ترفندی بود تصویب آن را در مجلس به تعویق می‌انداختند.[۵] مصطفی‌صبری به این کار واکنش نشان داد و با انتشار مقالاتش در مجله *بیان‌الحق* که خود دبیر تحریریه آن بود، به اتحادی‌ها حمله‌ور شد. اتحادی‌ها تاب نیاوردند و با شدّت با او و همفکرانش برخورد کردند. مصطفی‌صبری در سال ۱۹۱۳م./۱۳۳۱ق. از چنگ آن‌ها به مصر و بعد به اروپا گریخت. به بوسنی و هرزه‌گوین که در آن زمان تحت حاکمیت اتریش بود، رفت. سپس راهی پاریس شد و مدتی آنجا ماند. از آنجا به رومانی رفت و در بخارست ساکن شد. دولت‌مردان عثمانی او را به‌مثابه یک فراری قلمداد می‌کردند و به‌این‌ترتیب مصطفی‌صبری از فعالیت‌های دینی محروم گردید.[۶] هنگامی‌که در جنگ جهانی اول قوای آلمان و ترکیه وارد بخارست شدند، اتحادی‌ها مصطفی‌صبری را گرفتند و به زندان افکندند؛ سپس به ترکیه منتقل کردند و او به شهر «بیلَّه‌جک»[۷] در آناتولی تبعید اجباری گردید. در سال ۱۹۱۸م./۱۳۳۶ق. چون ترکیه و آلمان در جنگ شکست خوردند و رؤسای اتحادی‌ها از ترکیه گریختند، شیخ به حیات علمی و سیاسی خود در آستانه بازگشت. همچنین به عضویت دائم مجلس شیوخ (اعیان) عثمانی درآمد. هم‌زمان به عضویت «دارالحکمه اسلامی»[۸] که بزرگ‌ترین مجمع علمی اسلامی در آن زمان بود، برگزیده شد. مصطفی‌صبری و همفکرانش بر این باور بودند که مذهب (دین) و اخلاق مسلمانان در پایتخت و تحت حکومت اتحادی‌ها به تباهی کشیده شده است، لذا این مجمع را بنیاد نهادند

1 Meir Hatina, Ibid, p.74.
2 *Ibid.*
3 *Cemiyet-i İttihadiye-i İslamiye'nin.*
4 *Kemalist Türkiye'Nin Din Yanlışları*, ŞEYHÜLİSLM MUSTAFA SABRİ, p. 6.
5 Meir Hatina, ibid, p. 73.
6 Ibid, p.80.
7 Bilecik.
8 Dar'ül-Hikmet'il İslamiye.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]
[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

و هدف از تأسیس آن را رصد و مقابله با فعالیت‌های غیراخلاقی در امپراتوری اعلام کردند.[۱] در سال ۱۹۱۹م./۱۳۳۷ق. به منصب شیخ‌الاسلامی و مفتی اعظمی دولت عثمانی در کابینه داماد شریف پاشا منصوب شد. به هنگام مشارکت صدراعظم (رئیس‌الوزراء)، داماد شریف پاشا، در کنفرانس صلح ورسای، مصطفی‌صبری منصب نایب صدراعظم را به عهده داشت.[۲] در سال ۱۹۲۰م./۱۳۳۸ق. حزب «اعتدال، آزادی و ائتلاف»[۳] را تأسیس کرد.[۴] در آستانه استیلای کمالی‌ها بر حکومت و الغای نظام سلطنت در سال ۱۹۲۲م./۱۳۴۰ق. مصطفی‌صبری از همه مشاغلش استعفا داد و به همراه سلطان وحیدالدین و سایر دولتمردان عثمانی گریخت.[۵] آن‌ها به دعوت شریف حسین در حجاز گرد هم آمدند و امیدوار بودند که جبهه اسلامی منسجمی مقابل مصطفی کمال تشکیل دهند، امّا گویا آمال آن‌ها خیلی زود با رؤیاهای حسین‌بن‌علی، پادشاه حجاز، تلاقی پیدا کرد. بنابراین، اندکی بعد همگی آن‌ها در سال ۱۹۲۳م./۱۳۴۱ق. حجاز را به مقصدهای متفاوت در اروپا و خاورمیانه ترک کردند.[۶] مصطفی‌صبری، راهی لبنان و رومانی شد. از آنجا به یونان رفت و به مدت چهار سال در تراکیه غربی ساکن شد. در آنجا نشریه‌ای به زبان ترکی با عنوان *یارین*[۷] به معنی *فردا* منتشر کرد. او در این نشریه سیاست‌های کمالیست‌ها را با شدّت تمام به چالش کشید. به‌عنوان مثال در سال ۱۹۲۸م./۱۳۴۶ق. نهایت انزجار و نفرت خود را از حکمرانان جدید ترکیه در قالب شعری معروف با عنوان «استعفا می‌دهم» نشان داد. او در این شعر نه تنها دولت جدید ترکیه و سکولاریزاسیون آن را محکوم کرد، بلکه فراتر از آن خود را از «ملیّت ترکی» هم مبرّا دانسته و استعفا داد.[۸] وی به کمک پسرش ابراهیم روزنامه *یارین* و *پیام اسلام*[۹] را از ۱۹۲۷م./۱۳۴۵ق. تا ۱۹۳۰م.۱۳۴۸ق. منتشر کرد.[۱۰] در پی آن ترکیه از یونان خواست او را

1 Meir Hatina, Ibid, p.83; Kemalist Türkiye'Nin Din Yanlışları, ŞEYHÜLİSLM MUSTAFA SABRİ, p. 6.
2 Meir Hatina, Ibid,p. 87.
3 Mutedil Hürriyet ve İtilaf.
4 Kemalist Türkiye'Nin Din Yanlışları, ŞEYHÜLİSLM MUSTAFA SABRİ, p. 7.
۵ استانفورد جی. شاو و ازل کورال شاو، همان، ص ۶۰۹.
6 Meir Hatina, Ibid, p. 87.
و نک: محمدحسین محمد (۱۹۷۹)، *أزمة العصر*، ریاض: دارعکاظ، ص۲۷.
7 Yarin.
8 Meir Hatina, Ibid, p. 88.
9 Peyam-ı İslam.
10 Kemalist Türkiye'Nin Din Yanlışları, ŞEYHÜLİSLM MUSTAFA SABRİ, p. 7.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]
[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

تسلیم نماید. لذا در سال ۱۹۳۱م./۱۳۴۹ق. دوباره به مصر پناه برد و آنجا را به‌عنوان موطن دوم خود تا زمان مرگ برگزید. مصطفی‌صبری دهه‌های آخر زندگی خود را وقف مبارزه فکری با جمهوری ترکیه و هواداران آن در مصر و بالکان کرد. به گفته خودش وارد عرصه جهاد علمی- دینی[1] بعد از دوره جهاد سیاسی[2] شد[3] که به تعبیری دیگر، تداوم همان جهاد سیاسی پیشین بود.[4] او در اهمیّت این مجاهدت اشاره می‌کند که لازم است پرچمداران جهاد مقدس اسلامی در این دوران سخت، نه تنها حیات دنیوی، بلکه حیات اخروی خود را نیز قربانی نمایند.[5] مصطفی‌صبری بر اثر مرض پروستات در ساعت ۸ صبح روز جمعه ۷ رجب سال ۱۳۷۳ق./۱۹۵۴م. در سنّ ۸۶ سالگی در مصر در گذشت.[6]

## مهم‌ترین آثار

مصطفی‌صبری توقاتی آثار فکری و علمی بسیاری به زبان‌های ترکی و عربی از خود باقی گذاشته است که بسیاری از آن‌ها منتشرشده‌اند و تعدادی هم هنوز به چاپ نرسیده‌اند. موضوعات کتاب‌های وی غالباً حوادث سیاسی، اجتماعی و اندیشه‌ای روز جهان اسلام است که این موضوع هم در کتاب‌هایی که به زبان ترکی نوشته و هم در کتاب‌هایی که به زبان عربی نگاشته، نمایان است. تحلیل افکار و قضایای پیش رو و ارائه راه‌حل برای آن‌ها از منظر اسلام از دیگر ویژگی‌ها آثار او است. نکته دیگر اینکه غالب کتاب‌های او وجهه انتقادی تندوتیزی دارند. بارزترین اثر او به زبان ترکی کتاب *دینی مجددلر* (تجددخواهان دینی) است.

امّا مهم‌ترین میراث فکری مصطفی‌صبری توقاتی در آثاری خود را می‌نمایاند که در ایام تبعید و اقامت در مصر نگاشته است. آثار ایّام تبعید او به زبان عربی تألیف شده‌اند. این آثار

---

1 *Al-jihad al-'ilmi aldini*.

2 Al-jihad al-siyasi.

3 Meir Hatina, Ibid, p. 87; Amit Bein (2011), *Ottoman Ulema, Tuikis Republic: agents of change and guardians of tradition*, Stanford University press, p. 112.

و نک: محمدحسین محمد، همان، ص۲۷.

4 Ottoman Ulema, Tuikis Republic, p. 112.

۵ به نقل از علی علوی قوروجو نویسنده «مقدمه» *کلیات رسائل نور (سیرة ذاتیة)* نوشته سعید نورسی. سعید النّورسی (۲۰۰۸)، *کلیات رسائل نور (سیرة ذاتیة)*،إعداد و ترجمهٔ إحسان قاسم الصالحی، دار نشر: شرکة سوزلر للنشر، الطبعة الخامسة، ص ۲۵.

۶ مفرح‌بن‌سلیمان القوسی، همان، ص۱۳۰.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

آیینهٔ تمام‌نمای حیات سیاسی و فکری وی به شمار می‌آیند. برجسته‌ترین این آثار عبارت‌اند از: کتاب *النکیر علی منکری النعمة من الدین و الخلافة و الأمة*. کتابی است یک جلدی در ۲۳۵ صفحه در قطع متوسط. کتاب را در آستانه الغای خلافت عثمانی تألیف کرده و در چاپخانه عباسیه بیروت در ۱۳۴۲ق./۱۹۲۴م. چاپ کرده است. این کتاب سه ماه بعد از کتاب مشهور رشیدرضا با عنوان *الخلافة یا الإمامة العظمی* منتشر شده است.[۱] موضوعات کتاب به اختصار عبارت‌اند از: سخن از فساد دین اتحادی‌ها و کمالی‌ها؛ سخن از عصبیت ترکی کمالی‌ها و اتحادی‌ها و جنگ‌شان با عصبیت اسلامی؛ بیان اینکه اتحادی‌ها و کمالی‌ها دو اسم مختلف برای حزبی واحد هستند؛ سخن از ارتباط اتحادی‌ها و کمالی‌ها با یهود و توطئه آن‌ها به همراهی انگلستان. متن کامل این کتاب با مقدمه، شرح، اضافات و تحقیق مصطفی‌حلمی در سال ۱۴۲۵ق./۲۰۰۴م. از سوی انتشارات *دارالکتب العلمیه* بیروت در ۲۲۲ صفحه راهی بازار کتاب شده است.[۲] کتاب *موقف العقل و العلم و العالم من رب العالمین و عباده المرسلین* مهم‌ترین کتاب اندیشه‌ای مصطفی‌صبری به‌شمار می‌آید. این کتاب در چهار جلد که مجموع صفحات آن به ۲۰۱۸ صفحه می‌رسد، دو مرتبه چاپ شده است: نخست در چاپخانه مصطفی البابی الحلبی در قاهره به سال ۱۹۵۰م./۱۳۶۹ق. و دوباره در دارإحیاء التراث العربی در بیروت به سال ۱۹۸۱م./۱۴۰۱ق. سرانجام این کتاب به قلم فرزند شیخ، ابراهیم‌صبری، به ترکی عثمانی ترجمه شد، امّا منتشر نگردید.

**اندیشه**

مصطفی‌صبری اسلام‌گرا و سنّتی،[۳] خواهان «دولت مشروطه اسلامی»[۴] و فضای باز سیاسی بر پایه شریعت اسلامی بود. همانی که در کشور ما به «مشروطه مشروعه» معروف است. مشروعه‌خواهی به‌عنوان مهم‌ترین رقیب نظریه مشروطه‌خواهی، به معنای گرایشی است که مشروعیّت حکومت را به شرعیّت آن می‌داند و معتقد است حکومت مشروع، همان

۱ محمدحسین محمد، همان، ص۲۷.

۲ این کتاب در سال ۲۰۱۴ به ترکی ترجمه و با مشخصات کتابشناسی زیر، چاپ شده است:
MUSTAFA SABRİ EFENDİ (2014), *HİLAFETİN İLGASININ ARKA PLANI*, çeviren: OKTAY YILMAZ, insan yaynları.

۳ روبیر مانتران، همان، ص ۲۶۲.

۴ مصطفی حلمی(۲۰۰۴)، *الأسرار الخفیة وراء إلغاء الخلافة العثمانیة*، بیروت: دارالکتب العلمیة، ص۹۹.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

حکومت شرع است.[۱] مشروطه‌خواهان مشروعه‌خواه منتسب به طیف اسلام‌گرایان یا همان سنّت‌گرایان بودند. عبدالحمید اگرچه رویّه استبدادی در پیش‌گرفته بود، لیکن به اصلاحات از بالا و به‌اصطلاح «اصلاحات سلطانی»[۲] باور داشت. کمال کارپات درباره وی می‌نویسد: «او فرمانروایی عمل‌گرا و مستبد بود و در همان‌حال باور شدیدی به مدرن شدن داشت؛ اروپا و مدنیّت آن را البته سوای «فرهنگ» آن، تحسین می‌کرد».[۳] عبدالحمید اصلاحات جدّی و دامنه‌داری، علی‌الخصوص در حوزه آموزش در امپراتوری عثمانی، به‌طور کلی و در ترکیه به‌صورت ویژه انجام داد.[۴] جی‌شاو درباره اصلاحات آموزشی و تأسیس مدارس مختلف، توضیحات مفصّلی ارائه کرده است که علاقه‌مندان را به وی ارجاع می‌دهیم.[۵] آنچه عبدالحمید و اسلام‌گرایان سنّتی را نگران می‌کرد، نه رویه «دانش و کارشناسی تمدن بورژوازی غرب»[۶]، بلکه رویه «استعماری تمدن بورژوازی غرب»[۷] بود که پیش‌نیاز تحقق آن اقدامات فرهنگی بود.

باری، مصطفی‌صبری که بعد از انقلاب ۱۹۰۸م. به لطف شرایط سیاسی و فعالیت‌هایش برجسته شد،[۸] راه خود را از آن دسته از اسلام‌گرایان سنّتی‌ای که درهرحال، بدون آنکه به محتوا و مضمون حکمرانی توجهی داشته باشند، حامی سلطان بودند جدا می‌کند. او طرفدار حضور فعّال عالمان دین در امور سیاسی است با این وصف که حتی فعل سیاسی هم گرایش معرفتی- فرهنگی دارد و مشکل عقب‌ماندگی مسلمانان را به «خلل‌های فرهنگی» برمی‌گرداند که باید اصلاح شوند.[۹] بامطالعه آثار مصطفی‌صبری رویکرد ایمانی وی به مقوله فرهنگ بسیار برجسته می‌نمایاند. از نظر او، مشکلات ما از زمانی بالا گرفت که با اروپایی‌ها ارتباط گرفتیم

۱ حسن حضرتی (۱۳۸۹)، *مشروطه عثمانی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ص۲۲۳.

۲ اسماعیل فادی (۱۹۹۱)، *الخطابُ العربی المعاصر: قِراءة نقديّة فی مفاهيم النّهضة و التقدّم و الحداثة ۱۹۷۸-۱۹۸۷*، هیرندن: المعهد العالمی للفکر الإسلامی، فیرجینیا، الولایات المتحدة الأمریکیة: ص۸۳.

3 Kemal H. Karpat (2001), *The Politicization of Islam: reconstructing identity state, faith, and community in the late Ottoman state*, Oxford University Press, p. 15.

4 Ibid. p.4.

5 Stanford J. Shaw & Ezel Kural Shaw (1977), *History of the Ottoman Empire and Modern Turkey*, Vol. II Reform, Revolution, and Republic: the modern Turkey 1808-1975, Cambridge, pp. 249-251.

۶ عبدالهادی حائری (۱۳۸۷)، *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، امیرکبیر، ص۱۵.

۷ همان.

8 Meir Hatina, Ibid, p. 68.

۹ عمار جیدل، همان، ص۵۹.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

و در قِبال چند چیز خوب، صدها چیز شنیع از آنان اخذ کردیم.[۱] این دنباله‌روی نتیجه «نفوذ بی‌سابقه فرهنگی اروپا در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود».[۲]

بر همین اساس او بیان می‌کند که برنامه اصلاحی‌اش متوجه بازسازی جنبه‌های فرهنگی و معرفتی و مشخصاً آنجایی است که تلاش می‌شود عقلانیّت مسلمان به عقلانیّت مسیحی و غرب منهای دین پیوند داده شود.[۳] او به‌ویژه در مواجهه با جریان تجددگرا تأکید می‌کند که مسئلهِ تجددخواهی از بیرون آمده است و برآمده از داخل اسلام نیست، فلذا مسئله‌ای اصیل نبوده، امّا وارد است.[۴] از نگاه عمّار جیدل، به‌طور کلی هدف اصلی مصطفی‌صبری دفاع از اسلام و علوم اسلامی است.[۵] از نظر مصطفی‌صبری، اعجاب از سیاست غرب برمی‌گردد به «آشفتگی در تکوین فرهنگی»؛ به این معنی که اساساً سیاست یک پس‌زمینه فرهنگی دارد و لازم است اصلاح از همان‌جا آغاز شود. حاصل سخن آنکه «اصلاح فرهنگی» اساسِ «اصلاح سیاسی» است و حل‌وفصل مشکلات فرهنگی در مرتبه نخست قرار دارد.[۶] امّا چرا مقوله فرهنگ تا این اندازه برای مصطفی‌صبری حائز اهمیت است؟ او به‌خوبی می‌داند که عناصر مادی و معنوی، تشکیل‌دهنده نظام فرهنگی هستند و نظام فرهنگی تداوم‌بخش ساختار و ویژگی‌های اجتماعی جامعه است. فرهنگ، به‌عنوان تابعی از این عناصر، با ایجاد تحول در هر یک از آن‌ها، به‌تدریج متحول می‌شود و درنتیجه تأثیر متقابل میان عناصر، شکلی جدید می‌یابد.[۷] به‌علاوه، [این] ارزش‌های فرهنگی است که نسخه چگونه حرکت‌کردن را برای انسان‌ها می‌پیچد و طرز رفتار، کردار، جهان‌بینی و نوع زندگی را به آنان می‌آموزد.[۸] با این

1 NIYAZI BERKES (1998), *Development of Secularism in Turkey*, first published in 1964 by Mc Gill University Press, Published in a facsimile edition, Hurst & Company, London: p.389.

۲ روبیر مانتران، همان، ص۱۸۵.

۳ «الإصلاح المعرفی و التغریب عند النخب الفکریة فی دول الأرکان (مصر، ترکیا، إیران)، نماذج مختارة»، د. حسان عبدالله حسان، جامعة المنصورة ـ مصر، منتشر شده در مجموعه مقالات کنفرانس «الثقافة و دراسات الشرق الأوسط: أعمال المؤتمر العربی الترکی للعلوم الإجتماعیة»، دیسمبر ۲۰۱۱م، آنکارا ـ قاهره: صص۲۵۷-۲۸۳؛ مصطفی‌صبری (۱۹۸۱)، *موقف العقل و العلم و العالم من رب العالمین و عباده المرسلین*، ج۱، بیروت: دارإحیاء التراث، ط۲، ص۱۳.

۴ همانجا.

۵ رائد الفکرالإسلامی الحدیث، ص۶۰.

۶ همان، ص ۶۲.

۷ داود دورسون (۱۳۸۰)، *دین و سیاست در دولت عثمانی*، ترجمهٔ منصوره حسینی و داود وفایی، تهران، مرکز پژوهش و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۶۹.

۸ همان، ص۷۰.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

تفسیر از مقوله فرهنگ، اگر شما عرصه فرهنگ را واگذار کردید، نفوذ بر دیگر عرصه‌ها به خودی‌خود محقق می‌شود.

او هوشیارانه و بسیار ظریف بین واقع حال مسلمانان و اسلام به مثابه یک دین، فرق می‌گذارد: اسلام به هیچ‌گونه اصلاحی نیاز ندارد؛ هر کس قصد اصلاح آن نماید، در جهت افساد آن گام می‌نهد و واجب است با این نگاه، حسّ و آگاهی با آن‌ها مقابله کرد. بله این مسلمانان‌اند که نیازمند اصلاح‌اند. امّا ماهیت نوسازی که مسلمانان بدان نیازمندند متعین در بُعد تربیتی و روانی است که امروز مسلمانان آن را از دست داده‌اند «و اساس مرض ایشان، ضعف قلب است که ناشی از ضعف در پایبندی به دین‌شان است».[۱] بنابراین، مصطفی‌صبری تحقق اصلاح فرهنگی و معرفتی را در بازگشت به «خود» می‌بیند. توقاتی و دیگر اندیشه‌ورزان اسلام‌گرا در ترکیه، کمالیست‌ها و سیاست‌های نوگرایانه آنان را مسئول خرابی‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در جامعه می‌دانستند. آن‌ها بازگشت به سرچشمه‌های اسلامی مطابق تجربه زیسته آن و عمل بدان مطابق دوران طلایی را، به‌جای پیروی از تمدن غربی، پیشنهاد می‌کردند.[۲] هنگامی که مصطفی‌صبری در سال ۱۹۱۹م./۱۳۳۷ق. و مجدداً در سال ۱۹۲۰م./۱۳۳۸ق. شیخ‌الاسلام شد، آموزش موضوعات غیراسلامی را محدود نمود. به‌علاوه، استادانی را که از نظر مسلک (ایدئولوژی) مورد شکّ بودند و یا با آنان اختلاف سیاسی داشت، کنار گذارد.[۳] در برنامه فکری مصطفی‌صبری، رویکرد اسلامِ فراگیر و شمولی به مثابه یک دین، جایگاه ویژه‌ای دارد. به این معنی که اسلام فقط عبادت نیست و یا صرفاً یک دین؛ بلکه دین و دولت، شریعت و قانون، عبادت و اجتماع توأمان با هم است و این با مفهوم غربی دین که پروژه غرب‌گرایی به دنبال آن است، در تناقض است.[۴] جریان سنّت‌گرای اسلامی بر این باور بود از روزی که [مسلمانان] شریعت اسلامی را ترک کرده‌اند، به غضب الهی دچار شده و بدین‌جهت زیر نفوذ مسیحیان درآمده و از طرف خداوند محکوم شده‌اند. از دیدگاه آن‌ها دین، یکپارچه و مقدس است؛ به همین حکم دین را با احکام دنیوی درهم

---

۱ مصطفی صبری (۲۰۰۸)، *موقف البشر تحت سلطان القدر*، قاهره: دارالبصائر، ص ۲۲۷.

2 SANA KARASIPAHI (2009), *Muslims in modern turkey: kemalism, modernism and the revolt of the Islamic intellectuals*, I.B.Tauris, London: p. 11.

3 Amit Bein (2011), *Ottoman Ulema, Turkis Republic: agents of change and guardians of tradition*, Stanford University press, ibid, p. 71.

۴ *الثقافة و دراسات الشرق الأوسط*، ص ۲۷۱.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

آمیختن و قوانین دینی را با قوانین غرب درهم آمیختن جایز نیست؛ زیرا این قوانین، عقلی است و قوانین عقلی را نباید با قوانین الهی عوض کرد یا درهم آمیخت.[۱]

مصطفی‌صبری در عرصه سیاست مردی عمل‌گرا با رویکرد سنّتی بود. تحولات در ترکیه وی را به این نتیجه رسانده بود که مسلمانان باید به تفسیرهای سنتی خود از ایمان پایبند بمانند به‌جای آن‌که با آغوش باز و به نام اصلاحات، به دشمنان مجال نفوذ دهند. این بدین معنی بود که وی در درجه نخست محافظه‌کارانه در پی حفظ مواضع فقهی سنّی حنفی و کلامی اشعریت بود. او با همین رویکرد از خلافت دفاع می‌کند و می‌پذیرد که هر حاکمیتی محصول نظام فرهنگی مشخصی است؛ یا هر حاکمیتی تنها با نظام فرهنگی معین است که می‌تواند به حیات خود ادامه دهد.[۲] او در واکنش به الغای خلافت بر این باور است که هدف دشمنی با اسلام است وگرنه اگر خلیفه‌ای لایق مسندِ خلافت نباشد، به‌جای او شخص شایسته‌ای می‌نشانند، نه آنکه خلافت را ملغی سازند.[۳] بنابراین، چاره کار انتخاب یک پادشاه دین‌دار و وزرای با درایت است.[۴] نباید از یاد برد که هم مصطفی‌صبری و بسیاری دیگر در الغای خلافت انگلستان را عامل نخست می‌دانند و بر این باورند که این انگلیس بود که از سال ۱۹۱۷م. مصطفی‌کمال را برای این کار مهیّا کرد.[۵]

او همه توان خود را به‌کار می‌گیرد تا مانع از افتادن مسلمانان در مسیری شود که مسلمانان ترک به‌دست کمالیست‌ها گرفتار آن شدند.[۶] مبارزات مصطفی‌صبری توقاتی در زمان حیاتش به نتایج قابل‌توجهی منجر نشد، امّا میراثی که او از خود برجای گذارد، بخش مهمی از مبانی اندیشه‌ای جریان اسلام‌گرایی را در ترکیه شکل داده است.[۷] به‌این‌ترتیب، ناسازگاری سرسختانه وی با سکولاریسم و تمایلش به حکومت اسلامی، در عروق برخی از جریان‌های اسلام‌گرا جاری شد و تداوم پیدا کرد.[۸] گمان شده است، با اعلام جمهوری [در

۱ محمدتقی امامی خویی، همان، ص۲۲۶.
۲ داود دورسون، همان، صص۷۰ -۷۱.
۳ مصطفی حلمی، همان، صص۱۱۷-۱۱۸.
۴ محمدتقی امامی خویی، همان، ص۲۲۶.
۵ محمدفرید بک المحامی (۲۰۰۳)، *تاریخ الدولة العلیّة العثمانیة*، تحقیق: احسان حقی، بیروت: دارالنفائس، الطبعة التاسعة، صص ۷۴۸-۷۴۹.
۶ محمدحسین محمد، همان، ص۲۸.
7 Meir Hatina, Ibid, p.90.
8 Ibid, p.89.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]
[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

ترکیه]، همه ساختارهای عثمانی به تاریخ پیوست، درحالی‌که می‌دانیم ساختارهای اجتماعی به‌سادگی تغییر نمی‌کند و به‌عنوان عناصر فرهنگی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و به‌این‌ترتیب، تداوم می‌یابد. ساختارهای فرهنگی و مسلکی عثمانی، همراه با ساختارهای حکومتی دینی آن حکومت، در جمهوری ترکیه ادامه یافته است.[۱] به نظر نگارندگان همین پیوستگی فرهنگی به گذشته تاریخی و امپراتوری عثمانی، باعث شده است جریان‌های اسلام‌گرا فرصت و مجال ظهور و قدرت گیری مجدد پیدا کنند.

## نتیجه‌گیری

رویارویی نظام اندیشگانی مدرنیته با سنّت، منجر به واکنش علما گردید. این مواجهه، به شکل‌گیری رویکردهای مختلفی منتهی شد: برخی آن را نفی کردند، عده‌ای با آغوش باز از آن استقبال نمودند و گروهی هم خواستار تلفیق شدند. مصطفی‌صبری افندی، اگرچه در گروه نفی‌کنندگان مدرنیته قرار دارد امّا در حین حال، منکر «رویه علم و تکنولوژی غرب» نیست. با آن مادامی‌که به مبانی اسلام آسیب نزند، موافق است. در مقابل، به شدّت با اخذ مبانی معرفتی غرب یعنی همان بُعد «فرهنگی» مدرنیته مخالف است و با آن مبارزه می‌نماید. مخالفت با ابعاد فرهنگی مدرنیته، وجه مشترک همه جریان‌های اسلام‌گرا و عبدالحمید است.

از نظر مصطفی‌صبری، اسلام یک نظام فراگیر و شمولی است که می‌تواند تمام ابعاد زندگانی انسان را سامان دهد. او با همین رویکرد از نهاد خلافت دفاع می‌کند. از نظر او شکل‌گیری خلافت محصول اجماع دینی امت است، فلذا حذف آن ممکن نیست، اگر آن را حذف کردیم مقدمه حذف دین از جامعه را فراهم ساخته‌ایم. برای او آل‌عثمان مطرح نیست، بلکه دفاع از نهاد خلافت به‌عنوان یک نظام حکمرانی که از نظر او تجربه زیسته مسلمانان کارآمدی آن را ثابت کرده، مطرح است.

در نگاه کلی، می‌توان مدعی بود برنامه اصلاحی مصطفی‌صبری در کسوت یکی از آخرین شیخ‌الاسلام‌های خلافت عثمانی، در چارچوب همان نظام اندیشگانی و معرفتی سنّتی باقی می‌ماند و هرگز به گذر از خطوطی منتهی نخواهد شد که شاگردان محمدعبده و رشیدرضا با فراغِ بال، پا از آن فراتر می‌نهادند. آنچه مصطفی‌صبری در پی آن است تجدید به معنی پالودن

۱ داود دورسون، همان، صص ۴۶۶-۴۶۷.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

باورها از آلودگی‌هایی است که به‌زعم او با ادّعا و توجیه «اصلاحگری»، از جانب «طایفه عصریه» در میان مسلمانان رواج یافته است. شاید به همین دلیل مصطفی‌صبری منهای رویکرد کلامی و فلسفی‌اش، موردتوجه برخی از جریان‌های سلفی قرارگرفته است.

## منابع و مآخذ


- امامی خویی، محمدتقی (۱۳۹۵)، *تاریخ امپراتوری عثمانی*، تهران: سمت.
- البشری، طارق (۱۹۹۶)، *الوضع القانون المعاصر بین الشّریعة الاسلامیّة و القانون الوضعی*، القاهرة: دارالشروق.
- توقاتی، مصطفی‌صبری (۱۹۳۲)، *موقف البشر تحت سلطان القدر*، القاهرة: المکتبة السلفیة.
- ـــــ (۱۹۸۱)، *موقف‌العقل و العلم و العالم من ربّ‌العالمین و عبادةالمرسلین*، بیروت: دارُ احیاء التراث العربی، الطبعة الثانیة.
- جدعان، فهمی (۱۹۸۸)، *اسس التقدم عند مفکری الاسلام فی العالم العربی الحدیث*، قاهره/بیروت: دارالشروق، الطبعة الثالثة.
- جیدل، عمار (۲۰۰۶)، «رائد الفکرالاسلامی الحدیث: شیخ‌الاسلام مصطفی‌صبری»، *مجلّة حراء*، العدد الخامس، أکتوبر ـ دیسمبر.
- جی. شاو، استانفورد و کورال شاو، ازل (۱۳۷۰)، *تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید*، ترجمهٔ محمود رمضان‌زاده، مشهد: آستان قدس.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۸۷)، *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران: امیرکبیر.
- حسان عبدالله حسان (۲۰۱۱)، «الإصلاح المعرفی و التغریب عند النخب الفکریة فی دول الأرکان(مصر، ترکیا، إیران)، نماذج مختارة»، منتشر شده در مجموعه مقالات: کنفرانس *الثقافة و دراسات الشرق الأوسط: أعمال المؤتمر العربی التركی للعلوم الإجتماعیة*، آنکارا ـ قاهره.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۹)، *مشروطه عثمانی*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- حقی، اسماعیل (۱۳۸۸)، *تاریخ عثمانی*، ترجمهٔ وهاب ولی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حلمی، مصطفی (۲۰۰۴)، *الأسرار الخفیة وراء إلغاء الخلافة العثمانیة*، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- دورسون، داود (۱۳۸۰)، *دین و سیاست در دولت عثمانی*، ترجمهٔ منصوره حسینی و داود وفایی، تهران: مرکز پژوهش و کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- عثمان اوغلی، عایشه (۱۹۹۱)، *والدی السلطان عبدالحمید الثانی (مذکّرات الأمیرة عائشة عثمان اوغلی)*، نقلها إلی العربیّة: د. صالح سعداوی صالح، عمان ـ الأردن: دارالبشیر.
- فادی، إسماعیل (۱۹۹۱)، *الخطابُ العربی المعاصر: قِراءة نقدیّة فی مفاهیم النّهضة و التقدّم و الحداثة ۱۹۷۸-۱۹۸۷*، هیرندن: المعهد العالمی للفکر الاسلامی، فیرجینیا، الولایات المتحدة الأمریکیة.


[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]

- القوسی، مفرح‌بن‌سلیمان (۱۹۹۷)، *الشیخ مصطفی‌صبری و موقفه من الفکر الوافد*، ریاض: مرکز الملک فیصل للبحوث و الدراسات الاسلامیّه.
- کیدو، أکرم (۱۹۹۲)، *مؤسسة شیخ‌الاسلام فی الدّولة العثمانیة*، تعریب هاشم الأیوبی، طرابلس- بیروت: منشورات جروس برس.
- مانتران روبیر (۱۹۹۳)، *تاریخ الدّولة العُثمانیة*، تعریب: بشیر السباعی، قاهره: دارالفکر للدراسات و النشر و التوزیع.
- محمدحسین، محمد (۱۹۷۹)، *أزمة العصر*، ریاض: دارعکاظ.
- المحامی، محمدفرید بک (۲۰۰۳)، تاریخ الدولة العلیّة العثمانیة، تحقیق: احسان حقی، بیروت: دارالنفائس.
- نورسی، سعید (۲۰۰۸)، *کلیات رسائل نور(سیرة ذاتیة)*، إعداد و ترجمهٔ إحسان قاسم الصالحی، قاهره: دار نشر، شرکة سوزلر للنشر، الطبعة الخامسة.

- AKSOY, Mehmet (1989), "*Beyanü l-Hak ve Mustafa Sabrî*", YÜKSEK LİSANS TEZİ, ANKARA ÜNİVERSİTESİ.
- Bein, Amit (2011), *Ottoman Ulema, Tuikis Republic: agents of change and guardians of tradition*, Stanford University Press.
- BERKES, NIYAZI (1998), *Development of Secularism in Turkey*, first published in 1964 by Mc Gill University Press, Published in a facsimile edition, Hurst & Company, London.
- Hatina, Meir (2009), *Guardians of Faith in Modern Times: 'Ulama' in the Middle East*, Brill.
- Karasipahi, Sana (2009), *Muslims in modern turkey: kemalism, modernism and the revolt of the Islamic intellectuals*, London: I.B.Tauris.
- Karpat, Kemal H. (2001), *The Politicization of Islam: reconstructing identity state, faith, and community in the late ottoman state*, Oxford University Press.
- *Kemalist Türkiye'Nin Din Yanlışları* (2014), ŞEYHÜLİSLM MUSTAFA SABRİ, Derin Tarih kültür Yayınları-18, Derın Tarih dergisinin30, sayısnın hediyesidir. İstanbul.
- Şeyhulıslam MUSTAFA SABRI (1969), *DİNİ MÜCEDDİTLER* (REFORMCULAR), SEBİL YAYINLARI, İSTANBUL.
- Stanford, J. Shaw & Ezel Kural Shaw (1997), *History of the Ottoman Empire and Modern Turkey*, Vo. II, *Reform, Revolution, and Republic: the modern turkey 1808-1975*, Cambridge.

[ Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21 ]

[ DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.36.5.3 ]